آسیب تصمیم نفتی بایدن بر اقتصاد جهانی

وعده جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا برای آزادسازی نزدیک به ۵۰ میلیون بشکه نفت از منابع استراتژیک این کشور و برخی همپیمانان آمریکا، موجی از نگرانی را در کشورهای صاحب نفت، به ویژه کشورهای عضو اوپک به دنبال داشته است. درحالی که اینگونه تصمیم‌های حیاتی در حوزه انرژی جهانی، در مواقع جنگی و یا اتفاقات و بلایای طبیعی سهمگین رخ می‌دهد، اما این رویکرد ایالات متحده آمریکا، زوایای مختلفی دارد که نیاز به بررسی آن ضروری است.

براساس تبادلات نفتی در جهان که بر مبنای خرید و فروش نفت خام برنت صورت می‌گیرد، در ماه اخیر متوسط قیمت جهانی نفت به نزدیک ۷۰ دلار نزدیک شده و این افزایش قیمت کشورهای صنعتی را دچار بحران‌های اقتصادی زیادی کرده و آنگونه که منابع مطلع در بازارهای نفت گزارش می‌دهند موجب افزایش تورم و گرانی محصولات در این دسته از کشورها بوده است. این افزایش قیمت نفت خام، به دلیل عرضه و تقاضا و نیز قیمت‌های متفاوتی که در بازار نفت وجود دارد موجب شده تا کشورهای صنعتی به دنبال کاهش قیمت نفت و در نتیجه تحمیل شرایط تازه‌ای در زمینه تولید و فروش نفت به کشورهای صادرکننده نفت یعنی اوپک باشند. از سوی دیگر کشورهای صاحب نفت برای حفظ تعادل قیمت در جهان و استفاده از ابزار انرژی برای تاثیرگذاری بر اقتصاد بین‌الملل، همواره میزان ذخایر خود را بالا برده تا در مواقع اضطرار بتوانند تولید و عرضه نفت در جهان را مدیریت نمایند.

در این میان ایران به همراه عربستان و ونزوئلا از بالاترین ذخایر نفتی در جهان برخوردار بوده و این موضوع سبب شده تا ایالات متحده همواره به دنبال راهکاری برای مقابله با این قدرت بالقوه اقتصادی باشد و با ضربه زدن به منافع اوپک، از افزایش قیمت نفت در جهان بکاهد. باید پذیرفت که تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران سبب شده تا میزان صادرات نفت ایران کاهش یابد و ذخایر نفتی ما بیش از گذشته افزایش یابد و همین موضوع سبب نگرانی دولت جو بایدن و همپیمانان او شده است. در همین رابطه آغاز مذاکرات برجام و احتمال بازگشت ایران به فروش نفت در بازارهای جهانی نیز مزید بر علت است تا کمبود تولید در جهان جبران شده و ایران باردیگر نقش خود را در تنظیم سیاست‌های نفتی جهان به نمایش بگذارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد تصمیم آزادسازی ۵۰ میلیون بشکه نفت خام که ازسوی دولت بایدن اعلام شده، تنها نمایشی مضحک در جهت کاهش صوری قیمت نفت خواهد بود و در صورت اصرار بر این تصمیم، شاهد افزایش قیمت نفت به بالای ۸۰ دلار و ضرر و زیان شرکت‌های اقتصادی و صنعتی از این افزایش قیمت باشیم.

شیدا آریایی‌پور

راهکاری برای جبران کمبود آب و فرونشست زمین در تهران

بخش عمده‌ای از زمین تهران رسوبی است و قدرت جذب و تصفیه فاضلاب را به خوبی دارد. لذا در برنامه‌ریزی اولیه برای تامین آب این شهر علاوه‌بر انتقال آب سد، استفاده از آب زیرزمینی که با عبور از لایه‌های زمین کاملاً تصفیه فیزیکی و با کلرزنی قابل استفاده می‌شد، پیش‌بینی شده بود.

اما عدم استفاده از آب زیرزمینی و انتقال بی‌مورد آب، از سدهایی که یکی پس از دیگری ساخته و آب آن به این شهر سرازیر می‌شد، سبب بالا آمدن سطح آب زیرزمینی گردید. حتی در این مرحله به جای انتقال آب کم‌تر از سدها و استفاده از آب زیرزمینی به صورت محله‌ای و تامین کسری آب محلات از این آب، با ادعای ضرورت رفع آلودگی آب‌های زیرزمینی، که خود حاصل ورود آب چندین سد به این شهر بود؛ بدون بررسی کافی، لوله‌کشی فاضلاب و انتقال آن با چندین تونل عظیم به خارج از شهر ظاهراً برای تصفیه کلید خورد.

اکنون فاضلاب اغلب نقاط شهر به جای تجدید آب زیرزمینی، به خارج از شهر منتقل می‌شود. البته تصفیه خانه‌ها توان تصفیه این حجم از فاضلاب را که حاصل ورود آب ۵ سد به این شهر است؛ نداشته و به آلودگی بسیار شدید و خطرناکی در اطراف تصفیه خانه‌ها منجر شده است.

تصفیه فاضلاب معمولاً در زمانی انجام می‌شود که زمین حالت صخره‌ای داشته باشد؛ یا به طور طبیعی گرفتار سطح آب زیرزمینی شور و بالا باشد. در حالی که در شهر تهران تعمداً، با عدم استفاده از آب زیرزمینی، سطح آب زیرزمینی بالا بود.برای حل این مشکل هم کافی بود انتقال آب سدها به تهران کم شده و با استفاده از آب زیرزمینی به صورت محله ای، کمبود آب شهر تامین گردد. در این صورت محیط زیست اطراف سدهای احداث شده هم عملاً تخریب و گرفتار خشکسالی مصنوعی نمی‌شد.

نحوه منطقی حل مشکل

گام اول: توقف طرح لوله‌کشی و انتقال فاضلاب مناطقی است که هنوز تکمیل نشده‌اند.

گام دوم: ساخت تصفیه خانه‌های محلی درمحله‌هایی که اتصال به کانال فاضلاب انجام شده؛ و انتقال فاضلاب هر محله به تصفیه خانه محلی و لوله کشی آب آن، برای مصارف بهداشتی و آبیاری.

گام سوم: کم کردن ورود آب سدها به شهر تهران برای جلوگیری از بالا آمدن بیش از حدِ آب زیرزمینی.

با این کار علاوه‌بر جلوگیری از فرونشست و بالا آمدن آب زیرزمینی و آلودگی و سایرمعضلات ناشی از آن، تخریب محیط اطراف سدها و رودها کاهش یافته و مشکلات منتسب به خشکسالی هم که مصنوعی و نتیجه سدسازی دو برابر ظرفیت آبی کشور است، تا حدی رفع خواهد شد.

پروین قدیری ابیانه

ضرورت اصلاح و تقویت نظام اقتصادی برای مقابله با تورم

بدون شک، تورم، به نفع ثروتمندان و به ضرر فقراست و طبقه مرفه را پولدارتر و طبقه کم درآمد و متوسط جامعه را ضعیف‌تر می‌کند. از این رو، شایسته است مسئولان اقتصادی کشور ریشه‌های تورم و راه‌های مقابله با آن را شناسایی نمایند تا بتوانند سنگینی بار گرانی و تورم را از دوش طبقه کم‌درآمد و متوسط جامعه بردارند.

عوامل و ریشه‌های تورم

اقتصاددانان مشهور جهان، ریشه‌های اصلی تورم را افزایش تقاضا (مصرف)، کاهش تولید (کمبود عرضه) و افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی می‌دانند و در ایران نیز، نتیجه تحلیل‌های اقتصادی و ارزیابی تکنیکال از وضعیت شاخص‌های اقتصادی کشور، نشان می‌دهد که وجود منابع طبیعی و معدنی فراوان، موقعیت جغرافیایی و قرار داشتن در مسیر راه ابریشم، سبب گردیده تا تحریم، نقش اساسی در اقتصاد نداشته باشد، بلکه، ریشه‌های تورم و گرانی را بایستی در عواملی مثل: رشد بی‌رویه نقدینگی، جهش نرخ ارز، ناکارآمدی نظام مالیاتی و گمرکی، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، ممنوع کردن واردات کالاهای اساسی در شرایطی که کشور با کمبود تولید مواجه بوده، صادرات نسنجیده کالا در زمانی که کشور از کمبود و گرانی رنج می‌برد و همچنین، بایستی در سرمایه‌گذاری‌های راکد، جست و جو نمود، که اگر، کنترل و مهار نشود، همچون سرطان می‌تواند کل سیستم اقتصادی کشور را فلج نماید و تورم و فقر را بوجود آورد.

نظر بزرگان دین درباره مبارزه با تورم و فقر

بر اساس احکام عقلی و دینی، تورم باعث کاهش قدرت خرید مردم و توزیع ناعادلانه درآمد می‌شود و بر اساس قاعده، لاضرر و لاضرار، هرگونه ضرر در اسلام نفی شده است و هیچ کسی نبایستی به دیگری ضرر برساند. در فرازی دیگر، اسلام فروش کالا با قیمتی بیش‌تر از قیمت حقیقی و یا بیش‌تر از عرف و مقررات جامعه را نکوهش نموده و گرانی و تورم را پدیده‌ای زشت و ظالمانه می‌داند که بار سنگینی آن بر دوش مردم ضعیف قرار می‌گیرد. به همین دلیل، بزرگان دین، پیامبران، امامان و علما، در احکام عقلی و دینی (شرعی)، بر مقابله با فقر و تنگدستی تاکید دارند و پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند، فقر، انسانها را به فساد و کفر می‌کشاند و حضرت علی(ع) فرمودند، فقر، آرامش روحی و روانی فرد را بر هم می‌زند و باعث‌اندوه می‌شود و امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند، فقر، مرگ غیرطبیعی است که سبب می‌شود تا دین، ایمان و اخلاق از بین برود.

اسباب سعادت یا مصیبت

از مجموع بیانات بزرگان دینی نتیجه می‌گیریم که اگر، خیری به انسانها می‌رسد و موجب سعادت و خوشبختی می‌شود، نتیجه اعمال نیک انسانهای صالح و عنایت و هدایت خداوند است و هر مصیبت یا شرّی که به انسان می‌رسد، پیامد تصمیمات خود فرد بوده و نتیجه اعمال و فعالیتهایی است که از وی سر می‌زند. بنابراین، برای اینکه، جامعه بتواند با عزّت و متکی به خود عمل نماید و به سعادت و نیک بختی برسد، ضروری است، عالمانه و هوشمندانه و با تکیه بر سه اصل عزّت، حکمت و مصلحت، عمل نماید، تا شرایط زندگی بهتر و رفاه عمومی بیش‌تری برای جامعه فراهم گردد.

تورم مطلوب یا نامطلوب

پدیده تورم نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و طبیعت دو قطبی دارد که اگر، کنترل و مهار (لگام) شود و با نرخ کم‌تر از ۵ درصد در سال تنظیم گردد، تورم مطلوب است و مشوق تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران است و موجب رشد تولیدات داخلی، افزایش عرضه کل، ثبات اقتصادی، اشتغال و سعادت جامعه می‌شود. اما، چنانچه، تورم از منطق اقتصادی خارج و افسارگسیخته و دو رقمی‌شود، تورم نامطلوب است و پیامدهای مصیبت باری را بوجود می‌آورد، به طوری که، سیستم اقتصادی را تضعیف و تخریب می‌کند و موجب کاهش تولیدات داخلی، خروج سرمایه از کشور، رکود و کسادی و بیکاری و فقر می‌شود.

اقتصاد ایران

قاعده دفع ضرر محتمل

این وظیفه مسئولان اقتصادی کشور است که بر اساس، قاعده دفع ضرر محتمل، تصمیمات درست و منطقی بگیرند و از تصمیماتی که به اقتصاد کشور آسیب احتمالی می‌رساند، بر اساس اصل احتیاط عقلی، اجتناب نمایند تا تورم در سطح مطلوب قرار بگیرد. برای اینکه، بتوانیم تصمیمات درست و منطقی بگیریم و با تورم و گرانی مقابله نماییم، ضرورت دارد، سه بخش: سیاست‌گذاری، سازماندهی و نظارت را اصلاح و تقویت نماییم.

ضرورت اصلاح و تقویت نظام اقتصادی

بخش سیاست‌گذاری، نقش مهمی در پیشبرد اهداف نظام اقتصادی کشور و کنترل و مهار تورم دارد. تجویز غیراصولی افزایش نرخ ارز، نه تنها تاثیر اساسی در رشد تولید و صادرات غیرنفتی نداشته، بلکه برعکس، سبب گردیده تا هزینه‌های تولید به طور سرسام‌آور افزایش یافته و ارزش پول ملی نیز به شدت کاهش یابد و سرمایه‌های زیادی از کشور خارج گردیده و کارگاه‌ها و شرکت‌های بیشماری نیز به رکود و کسادی و تعطیلی کشیده شوند. سیاست پولی انبساطی و لجام گسیخته نیز، نه تنها تاثیری در رشد تولید و کاهش فشار اقتصادی بر مردم نداشته، بلکه، اقتصاد کشور را در تله انباشت نقدینگی گرفتار ساخت. ایروینگ فیشر، اقتصاددان نئوکلاسیک، در نظریه مقداری پول، معتقد است که سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) به سه عامل: حجم پول، سرعت گردش پول و میزان تولید (عرضه کل) بستگی دارد و عقیده داشت تنها عاملی که می‌تواند تورم را کنترل و آثار منفی رشد نقدینگی را خنثی نماید، رشد تولید است و به دلیل اهمیت و نقش تولید، در سال‌های مختلف، بر رشد اقتصادی و رونق تولید تاکید شده است.

بخش سازماندهی، یکی دیگر از عوامل موثر برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی کشور و مهار تورم، سازماندهی درست و منطقی است. اساس سازماندهی بر حول سه محور الف- تقسیم نمودن کار(تفکیک وظایف) ب- داشتن فرآیندهای موثر و شفاف (ساختار موثر و شفاف) ج- بکارگیری نیروهای کارآمد، شایسته و متعهد می‌باشد.

تصمیمات سردرگم اقتصادی و تورم‌زا، دوباره کاری و موازی کاری، عدم شفافیت شرح وظایف، ارتباطات ضعیف و کمرنگ، تاخیر در ارائه اطلاعات و فرصت‌سوزی برخی از مدیران ضعیف و عدم اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ناشی از سازماندهی ضعیف و ناکارآمد می‌باشد. بنابراین، برای اینکه، نظام اقتصادی کشور از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشد، به اصلاح ساختار مالیاتی و گمرکی، اصلاح ساختار بودجه‌ریزی و اصلاح ساختار اداری نیاز دارد.

بخش نظارت، نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر نظام اقتصادی کشور و مهار تورم می‌باشد. براساس یک قاعده کلی، کارآیی و اثربخشی، تابع کنترل و نظارت است. در واقع، یکی از وظایف اصلی مدیریت و ابزارهای پایش و ارزیابی عملکرد مدیریت، کنترل و نظارت است. نظارت بر درآمد، مانند، درآمد حاصل از فروش نفت و گاز، حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن و درآمد حاصل از فروش و واگذاری سهام شرکتهای دولتی و درآمدهای مالیاتی، نقش اساسی در ورود منابع مالی به سیستم اقتصادی کشور و همچنین، نظارت بر هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نیز نقش مهمی در مهار تورم دارد. شیوه نظارت قبل از خرج، از طریق سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان امور اداری و استخدامی، واحدهای حسابرسی و بازرسان داخلی شرکتها، اعمال می‌شود و شیوه نظارت حین خرج نیز، از طریق مدیران مالی و ذیحسابان دستگاه‌های اجرایی کشور و در نهایت، شیوه نظارت پس از خرج، از طریق دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان حسابرسی صورت می‌گیرد. بدیهی است، شیوه‌های نظارت قبل از خرج و حین خرج، موثرتر از شیوه نظارت پس از خرج می‌باشد که با این ترتیب، دولت می‌تواند جلوی بسیاری از رانت‌ها، فسادها، احتکارها، فرارهای مالیاتی، خروج سرمایه از کشور را بگیرد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم، برای اینکه، سنگینی بار گرانی و تورم را از دوش طبقه کم‌درآمد و متوسط جامعه برداشته شود، بایستی از منابع خدادادی و فرصت‌ها، به درستی و به موقع استفاده گردد و با تجویز سیاستهای اصولی و منطقی، سازماندهی موثر و شفاف و بکارگیری افراد کارآمد، شایسته و متعهد و همچنین با نظارت بر درآمدها، هزینه‌ها و سرمایه‌گذاریها، می‌توان به رشد اقتصادی و رونق تولید دست یافت و جلوی تورم و بیکاری و فقر را گرفت.

فرزاد بزرگی

معدن ناجی اقتصاد؛ ایران کشور نفتی یا معدنی؟

ایران با وسعت یک میلیون و ۶۲۸ هزار و ۷۵۰ کیلومتر مربع در رتبه هفدهم از لحاظ وسعت در بین کشورهای دنیا قرار دارد. کشور ما دارای قابلیت‌ها و منابع طبیعی متنوع، آب و هوا و اقلیم گوناگون است که قابلیت بهره‌گیری از آنها نیز در هر منطقه، بسته به شرایط آن منطقه وجود دارد.

براساس گزارش‌های بین‌المللی؛ «نفت، گاز، زغال‌سنگ، جنگل و چوب، طلا و نقره، مس، اورانیوم، آهن خام و فسفات» که همگی از منابع مهم جهانی هستند، به‌عنوان شاخص ثروت در نظر گرفته شده‌اند. با این رویکرد کشورهای «روسیه»، «آمریکا»، «عربستان»، «کانادا»، در رتبه‌های اول تا چهارم جهان و «ایران» با ۲۷/۳ تریلیون دلار از منابع زیرزمینی طبیعی در رتبه پنجم دنیا قرار می‌گیرد.

براساس اکتشافات معدنی انجام‌شده در کشور، ایران ۷ درصد ذخایر معادن جهان را در اختیار دارد و در بین ۱۵ کشور معدنی دنیا قرار گرفته است. محصولات معدنی ایران با تنوع بالا شامل ۶۸ نوع ماده معدنی غیرنفتی است و ذخایر کشف‌شده به حدود ۳۷ میلیارد تن می‌رسد. همچنین برآوردها نشان می‌دهد که ذخایر بالقوه در کشور حدود ۶۰ میلیارد تن بوده و ارزش برآورد شده این ذخایر معدنی نیز معادل ۱۴۰۰ میلیارد دلار است و از طرفی صنعت معدن‌کاری در ایران دارای مزیت‌هایی از جمله ذخایر بالا، دسترسی به آب‌های آزاد، نیروی انسانی توانمند ارزان، قیمت پایین انرژی و... است.

یکی از موضوعاتی که اهمیت معدن و صنایع معدنی را بیش از پیش نمایان می‌کند، گردش مالی بخش معدن در جهان است، از ۸ هزار میلیارد دلار گردش مالی بخش صنعت دنیا در سال، ۲/۲ هزار میلیارد دلار آن (حدود ۳۰ درصد) مربوط به بخش معدن است.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که از ۱۸۰۸میلیون تن فولاد در جهان سهم ایران ۲۴/۵ میلیون تن است. از ۷۳۰۰ میلیون تن تولید زغال سنگ در جهان سهم ایران حدود ۲ میلیون تن، از ۴۲۰۰میلیون تن تولید سیمان در جهان سهم ایران برابر با ۵۳ میلیون تن، از ۲۲۰۰ میلیون تن تولید سنگ آهن در جهان، سهم ایران برابر با ۷۶ میلیون تن و از ۲۰/۵ میلیون تن تولید مس در جهان، سهم ایران حدود ۰/۲۴ میلیون تن است.

همچنین در بررسی های صورت گرفته سهم بخش معدن، از تولید ناخالص داخلی جهانی ۵/۱ درصد است و در بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف سهم معدن از GDP سال ۲۰۱۷ در آفریقای جنوبی ۸ درصد، سهم شیلی ۱۰ درصد، سهم استرالیا ۶ درصد و سهم روسیه ۸/۵ درصد است، اما علیرغم قرار گرفتن ایران روی کمربند مس، طلا و سنگ‌آهن دنیا، سهم معدن از اقتصاد ایران طی سال ۱۳۹۹ فقط عددی معادل ۰/۹ درصدی از GDP است. این در حالی است که سهم معدن از GDP کشور طی ۶۰ سال گذشته بیشتر از یک درصد نبوده است.

در محاسبه سهم معدن از اقتصاد داخلی نمی‌توان فقط به دستاوردهای استخراج از معادن توجه داشت، بلکه باید یک زنجیره ارزش افزوده‌ای را در نظر گرفت. به طور مثال در سال ۲۰۱۵ در آمریکا به میزان ۸۰ میلیارد دلار ارزش مواد معدنی تامین شده است و در چرخه بعدی به ۶۳۰ میلیارد دلار رسیده، در صنایع پایین‌دستی نیز به ۲ هزار و ۴۰۰میلیارد دلار رسیده و ۳۰ برابر شده است.

کشور ایران با توجه به شرایط خاص زمین‌شناسی در منطقه جغرافیایی خود در بخش میانی کمربند کوهزایی آلپ- هیمالیا قرار دارد که از باختر اروپا آغاز می‌شود و پس از گذر از ترکیه، ایران، افغانستان تا تبت و نزدیکی برمه و اندونزی ادامه دارد. قرارگیری در این کمربند که مرز برخورد دو ابرقاره اصلی کره زمین بوده و ۱۵درصد ذخایر این کمربند شناخته شده دنیا را در خود جای داده، سبب گردیده تا ایران سرزمینی مستعد و از نظر توان معدنی پراستعداد باشد.

شواهدی از پتانسیل‌های مواد معدنی که مهمترین شاهد آنها وجود بیش از ۱۰ معدن فعال در رتبه جهانی است، وجود دارد، به‌عنوان مثال از ذخایر آهن می‌توان به ۵ معدن سنگ‌آهن سنگان، چادرملو، چغارت، گل‌گهر و هرمز، ذخایر بزرگ مس سرچشمه و سونگون، ذخایر سرب و روی مهدی‌آباد و انگوران، ذخایر طلای زرشوران و ساریگونی نام برد که همگی از جمله ذخایر معدنی بزرگ جهان محسوب می‌شوند. بیشترین میزان ذخایر فلزی کشور به‌ترتیب به استان‌های کرمان، یزد، خراسان جنوبی و آذربایجان شرقی اختصاص دارد و مجموع ذخایر این چهار استان برابر با ۹۲ درصد از ذخایر کل کشور است.

بخش معدن به‌عنوان مهم‌ترین موتور محرکه و پیشران اقتصاد و توسعه‌یافتگی در کشورهای معدن‌خیز از جمله ایران به‌شمار می‌رود و با این پتانسیل خدادادی می‌شود در کشور به رشد و پیشرفت دست یافت و نقشی تأثیرگذار در جامعه بین‌الملل ایفا کرد؛ لذا با توجه به وجود صنعت معدنکاری در ایران و بی‌تاثیری تحریم در این بخش، این پتانسیل وجود دارد که بخش معدنی تأثیر بالایی در رشد اقتصادی کشور داشته باشد و با تغییر رویکرد، اقتصاد نفتی کشور را به اقتصاد معدنی و صنایع مرتبط با آن تبدیل کرد که این موضوع مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته و باید توجه بیشتری به آن شود.

براساس آمار سازمان جهانی کار، به ازای هر شغل مستقیم در بخش معدن ۱۷ موقعیت شغلی وابسته می‌تواند ایجاد شود؛ بنابراین باید اذعان کرد که تأثیر معدن بر رشد اقتصادی کشور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بسیار بیشتر از تأثیر تجارت و صنایع است؛ همچنین باید خاطرنشان ساخت با توجه به پراکندگی معادن در سراسر کشور و وجود این منابع در مناطق دورافتاده و محروم، اشتغال ایجاد شده به‌واسطه فعالیت‌های معدنی از اهمیت ویژه‌تری برخوردار خواهد بود.

امروزه مبنای قدرت اقتصادی در جهان، تولید ناخالص داخلی است. فهم درست و هوشمندانه از جریان‌های اقتصاد بین‌المللی و دانش اقتصاد بین‌المللی صنعت معدنکاری برای ما ضروری است. ایران با داشتن منابع غنی از ذخایر هیدروکربنی همراه با سایر اندیس‌های معدنی در بین کشورهای منطقه از مزیت ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاری برخوردار است؛ به‌طوری که حتی برخی از کارشناسان در دنیا، ایران را کشوری معدنی می‌دانند تا کشوری نفت‌خیز! از این رو نقش برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌گذاری‌ها توسط دولت‌ها در بخش معدن و صنایع معدنی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

متأسفانه تاکنون علی‌رغم مزیت‌های خاص کشورمان در بخش معدن، حجم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش متناسب با ظرفیت و توانایی‌های این بخش نبوده و به‌جرأت می‌توان گفت طی ۵ دهه اخیر به‌دلیل وجود درآمدهای نفتی در بودجه‌های سنواتی دولت ها، تاکنون مزیت اقتصاد معدنی در سرنوشت کشور ما به‌طور جدی دیده نشده است. ضمنا ایران یک درصد از ذخایر معدنی خود را بهره‌برداری می‌کند، در حالی که نُرم جهانی حدود ۵ درصد است.

در صورتی که ایران با نرم جهانی از ذخایر معدنی خود بهره‌برداری کند، می‌تواند چند برابر درآمدهای نفتی برای تامین منابع در جهت توسعه و پیشرفت حاصل کند، لذا با تحقق و در نظر گرفتن کل زنجیره پایین‌دستی مواد معدنی، سهم معدن در تولید ناخالص داخلی ایران تا ۲۰ درصد خواهد بود. با توجه به اولویت کشور در توسعه و اشتغال، بخش معدن و صنایع معدنی می‌تواند به‌عنوان یک پیشران در اقتصاد کشور به ایفای نقش بپردازد.

متاسفانه علیرغم اینکه در دولت‌های گذشته ژست فهم از بخش معدن و تلاش برای توسعه آن گرفته شده، اما بر اساس آمارهای موجود که در این گزارش هم مورد اشاره قرار گرفت، اقدامات بسیار اندکی در افزایش سطح و عمق اکتشاف، رفتن از خام‌فروشی به سمت فرآوری مواد معدنی، توسعه اشتغال از این طریق به ویژه در مناطق محرومی که عمده معادن کشور در آن قرار گرفته است، بالابردن سهم معدن در GDP کشور، توسعه ماشین‌آلات معدنی و دستگاه‌های حفاری به منظور استخراج و بهره‌وری بیشتر معادن و در نهایت توسعه کشور از این طریق صورت گرفته است. یکی از اقدامات جدی وزارت صمت و دولت آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی باید رفع مشکلات ذکر شده در این حوزه و عملی ساختن توصیه‌های مقام معظم رهبری در خصوص تبدیل اقتصاد نفتی کشور به اقتصاد معدنی باشد.

منبع: خبرگزاری تسنیم

آمایش سرزمین حلقه مفقودشده صنعت در ایران

برای آغاز سخن‌گریزی می‌زنم به مثل زیبای زبان شیرین پارسی که مردمانمان از قدیم‌الایام تا به حال نقل کرده‌اند «هرسخن جایی و هر نقطه مقامی دارد» از این سخن می‌شود به سوی صنعت نیزگریزی زد. آمایش سرزمین به زبان خیلی ساده و شیوا و در تعریفی مختصر ومفید یعنی شناخت استعدادهای خدادادی و پتانسیل‌های موجود وبالقوه در هر منطقه.

ایران اسلامی عزیز ما کشوری وسیع با اقلیم‌های متنوع و مختلف می‌باشد که شناسایی هر کدام از این مشخصه‌ها و آشنایی کامل با آنها زمینه رشد و ترقی وپیشرفت را فراهم و در عین حال عدم شناسایی دقیق و درست وبه تبع سوء مدیریت این منابع و مواهب خدادادی وستیز با طبیعت آثار جبران‌ناپذیری را در حال وآینده در بر خواهد داشت. همان‌گونه که مستحضرهستید قدم گذاشتن در جاده صنعت و صنعتی شدن همانند سایر فعالیت‌ها، اسباب ووسایل و مقدمات وتمهیدات خاص خود را می‌طلبد.اهمیت اینکه کشور ما همانند سایر کشورها در این زمینه باید فعالیت کرده و حرفی برای گفتن در جهان امروز داشته باشدامری واضح بوده و همگان بر ضرورت آن صحه می‌گذارند.

از دیر باز صنعت را بر اساس ویژگی‌های خاص در دسته‌های مختلف از جمله صنایع سبک، سنگین، صنایع مادر، صنایع کوچک، صنایع بزرگ و صنایع بالادستی و پایین دستی و... دسته‌بندی می‌کنند. در کشور ما با توجه به شرایط از بین بخش‌های اشتغال‌زای کشاورزی، خدمات و صنعت، بخش صنعت است که می‌تواند موتور محرکه تولید باشد البته با سرمایه‌گذاری دقیق، علمی و هدفمند که باید قطعا بر اساس مطالعه آمایش سرزمینی انجام شده باشد و درنتیجه تولید ناب، منبع اشتغال پایدار که نیاز کنونی کشور است را فراهم نماید. از ارکان اساسی فعالیت‌های صنعتی بحث نیروی کار انسانی می‌باشد و مراجعه به مباحث آمارهای جامعه انسانی که یکی از مولفه‌های مطالعه آمایش سرزمینی محسوب می‌گردد می‌تواند با مطالعه دقیق و کارشناسی از وارد آمدن هزینه اضافی درخصوص تامین نیروی انسانی و ایجاد مشکلات معتنابه و در سطح وسیع‌تر به عنوان نمونه هدررفت انرژی و مهاجرت نیروی کار و ایجاد خرده فرهنگ‌های مختلف و تغییر سبک زندگی وآسیب به بافتهای فرهنگی جلوگیری نماید. توجه به تراکم جمعیتی در بحث احداث، راه‌اندازی و طرح توسعه واحد صنعتی، در کنار سایر عوامل موثر بر امر تولید، نقس بسزایی دارد. یکی از راه‌های دستیابی به تولید ناب کاهش هر چه بیش‌تر وبهتر هزینه‌های خط تولید و به تبع افزایش ضریب ارزش افزوده به منظور بقا ورشد در بازار رقابتی می‌باشد.

وجود نیروی انسانی ماهر و متخصص مستلزم ایجاد واحدهای دانشگاهی بر اساس آمایش سرزمینی و وجود رشته‌های تحصیلی مرتبط با نیاز منطقه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری حاصل از برنامه‌ریزی بر اساس آمایش سرزمین می‌باشد قرار بگیرد. بنا ندارم در این خصوص به بحث نخ‌نما شده ارتباط صنعت و دانشگاه ورود کنم هرچند که ناگفته نماند طی سالیان اخیر شرکت‌های دانش‌بنیان هرچند کم و کوچک قدم‌های خوبی را در این راه برداشته‌اند. تجربه سالیان فعالیت در این عرصه به من آموخته که فارغ‌التحصیلان جوان بعد از دوران فراغت از تحصیل و جذب در محیط کار دوره‌ای را به فراخور استعداد و امکانات محیط کار به کارآموزی و اندوختن تجربه در حین کار می‌پردازند تا همانند فولاد آبدیده به یک متخصص خوب وقابل اتکا برای واحدهای صنعتی تبدیل شوند. بحث تهیه مواد اولیه کافی و مناسب وبه موقع، بحث نیروی کارتوانمند، ارزان وقابل دسترس و به دنبال آن تولیدی ارزان با کاهش هزینه‌های تولید می‌تواند رمز بقا و ادامه فعالیت و تداوم رقابت در بازار را فراهم نمایدکه همه این شرایط وامکانات بصورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر بحث آمایش سرزمینی قرار می‌گیرد.

آمایش سرزمین به زبان ساده یعنی هر صنعتی را درجای خاص خودش مستقر کنیم در مرحله اول شرایط محیطی و طبیعی و نیازها و توانمندی‌های جامعه درخصوص آن فعالیت را سنجیده و سپس کلنگ احداث را بر زمین بکوبیم. صنایع را براساس نتایج حاصل از آمایش سرزمین مستقر کنیم نه بر اساس فشارهای سیاسی و سفارش‌های این وآن. وضعیت کنونی صنعت ایران نتیجه عدم مطالعه و مد نظر قرار ندادن واقعیت‌هاو شرایط جغرافیایی و آب و هوایی وزیست محیطی و استعدادها و پتانسیل‌های بالقوه وبالفعل وآینده‌نگری بلندمدت درخصوص استقرار آنها می‌باشد که مسیر تولید را با دست‌انداز وهزینه‌های جانبی زیادی روبه‌رو کرده،که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم بر قیمت تمام شده محصول تاثیر گذاشته و به مرور تولید گران، آن را از چرخه رقابت‌پذیری در بازار عرضه وتقاضا خارج می‌کند. آنگاه ما مواجه می‌شویم با واحدهای صنعتی غیرفعال یا در حال ورشکستگی که به خاطر حفظ تولید دائم به دنبال دریافت تسهیلات سرمایه در گردش از بانک‌ها برای چرخاندن چرخ صنعتشان می‌باشند. قصد ندارم آنچه از قبل بوده و انجام شده را نبش قبر نمایم اما به عنوان یک کارشناس این حوزه عاجزانه تاکید دارم از این به بعد به منظور هرگونه سرمایه‌گذاری و استقرار صنایع در محل‌های مختلف دقت نظر به عمل آید و صرف تمایل یک سرمایه‌گذار و یا تمایلات سیاسی و منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن وجود یا عدم وجود زیر ساخت‌های مورد نیاز فعلی و نیازهای مرتبط با توسعه واحد و در نظر گرفتن شرایط حال حاضر و آینده‌نگری بلندمدت، جانمایی‌های غیر کارشناسی در مکان یابی و استقرار شهرک‌هاو واحدهای صنعتی بدون ملاحظات جمعیتی و مسایل ومشکلات زیست‌محیطی ودر یک کلام عدم توجه به آمایش سرزمینی، انجام نپذیرد که ادامه روند موجود می‌تواند آینده را ناپسندتر نماید.

خلاصه مطلب «هر سخن جایی و هر نقطه مقامی دارد» توجه به راهکارهای علمی و ارزیابی‌های دقیق شرایط و بررسی همه‌جانبه طرح آمایش سرزمینی درخصوص استقرار صنایع می‌تواند ما را به سوی تولیدی ناب، مولد، اشتغال‌زا و دارای کم‌ترین آسیب زیست محیطی، ارزان و رقابت‌پذیر در بازار رهنمون گردد.

محمود آقادوستی